

اطلاعیه

باز هم اندر حکایت " گذار مسالمت آمیز "

بالاخره کوه موش زایید و ادعای دهن پر کن " پیش بسوی ائتلاف بزرگ ایران " پس از فرورفتن در شبکلاه شعبده بازی محقق ژنو پلیتیک ! دانشگاه پاریس، تبدیل به " ائتلاف کوچک " ! با رژیم نه چندان! ضد مردمی " جمهوری اسلامی " و ایضا " وزیر محترم " ! کشور، آقای بشارتی عزیز ! گردید .

جل الخالق !! عجب طلسمی در این " گذار " نهفته است که هر کسی پای در آن می نهد گذر به میانه رژیم میکند . دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد. ظاهراً هدف از " گذار مسالمت آمیز " گذاری است بدون خونریزی (و البته به کوری چشم طیف خشونت طلب ! معتقد به براندازی) از دیکتاتوری به دموکراسی ، ولی عجبا که تجربه هزار بار تکرار شده سینه چاکان این خط ، نشان چیزی جز گذار خود آنان از " قلمرو مقاومت " به " قلمرو " رژیم ضد خلقی " جمهوری اسلامی " نبوده و نیست .

به عنوان یکی از برگزارکننده گان اولین و آخرین سمینار " نوید مقاومت " در شهرکن آلمان و مطرح کننده شعار سرنگونی قهرآمیز رژیم " جمهوری اسلامی " در مقابل تیز سازشکارانه " گذار مسالمت آمیز " علی فراستی در نشریه " نوید مقاومت " و در پاسخ به بچه هایی که چه تلفنی و چه توسط نامه نظرم را راجع به بازگشت علی فراستی به ایران خواسته اند ، اعلام مواضع زیر را ضروری می دانم :

۱ - اعلام کاندیداتوری نامبرده برای انتخابات ریاست جمهوری رژیم و نامه وی به " وزیر محترم ! " کشور با ذکر سوابق آچنانی و بزرگنمایی های مربوطه چیزی به غیر از یک " پیام " را تداعی نمی کند. پیام در یوزگی اعلام آمادگی برای بازگشت به آغوش امت همیشه در صحنه، بدون اعلام صریح بریدگی مبارزاتی و از موضع طلبکاری از مقاومتی است که بزرگترین گناهِش ! عزم راسخ برای سرنگونی تام و تمام رژیم ، آنهم با توسل به قهر بوده و هست . سیاه کردن ۳۰۰ صفحه خزعبلات دایی جان ناپلنونی و نشانیدن شوروی سابق بجای دولت فحیمه ! انگلیس و وارد کردن اتهام ردیلاتنه جاسوسی مجاهدین برای شوروی ، نشاندهنده شم ضد انقلابی - ژنو پلیتیک ! " اندیشه راهنمای " تازه وارد در گرفتن کدهای مورد علاقه رژیم می باشد. در این راستا تردیدی نیست که از قبل هماهنگی های لازم و تضمین گیریهای ضروری با مقامات سفارت و شاید هم شخص " آقای نجاتی " انجام گرفته و بنابراین ترهات آمده در کتاب " چرا به وطنم بازمی گردم ؟ " از موضع اپوزیسیون دگراندیش !! انصار حزب الله هیچکس را فریب نخواهد داد .

۲ - پذیرش احتمالی کاندیداتوری علی فراستی (صرفاً در عالم فرض) نشاندهنده یک چرخش سیاسی (و نه ایدئولوژیک) رژیم در رابطه با پناهنده گان سیاسی مقیم خارج کشور بوده که در صورت تحقق (باز هم در عالم فرض) بایستی بسیار جدی گرفته شود . چرا که در فضای آماده ای که در برخی محافل سرخورده وجود دارد ، یارگیری برای رژیم حداقل در کوتاه مدت، چندان غیر عقلایی بنظر نمی رسد .

۳ - تجربه " نوید مقاومت " یکبار دیگر نشان داد که جنبش مقاومت مسلحانه ، از یک خلاء واقعی رنج می برد. استقبالی که در آغاز از نوید به عنوان " راه سوم " شد ، نشان از پتانسیل بالقوه ای داشت که نه بودن در مجاهدین و شورا را عملی می دید و نه ضدیت با آنها را اصولی و مترقی ، بلکه خواهان " ثقلی " بود مستقل که ضمن حفظ اتحاد در مسیر سرنگونی قهرآمیز رژیم و حمایت از مقاومت مسلحانه ، شجاعانه و صادقانه ، گذشته را چه در کادر سازمان مادر و چه در تمامیت جنبش مقاومت مسلحانه ، به نقد کشیده و به فضای راکد سیاسی و بی اعتمادی حاکم پایان بخشد .

۴ - تبلیغ مسلحانه و ترویج ضرورت " سرنگونی قهرآمیز " رژیم ، جزء جدایی ناپذیر پاکیزگی سیاسی و طهارت مبارزاتی در شرایط کنونی است. تنظیم رابطه با جریانات معتقد به سرنگونی بایستی بر دو مؤلفه " مبارزه قهرآمیز " و خواست بلا شرط " مناسبات دمکراتیک " چه در کادر آلترناتیو و چه در دوران پس از سرنگونی ، بنا گردد. نقد عملکردهای جریانات درون صف خلق در عین تاکید بر نقاط وحدت ، دفاع قاطع از ایده " براندازی " و " رهایی زن " و تلاش برای جانداختن مقولات دمکراتیک و تحمل مخالف و ضرورت یابگری و قدرت یابی نهادهای قدرتمند دمکراتیک ، به مثابه تضمین ادامه حیات " ساختار دمکراتیک " پس از سرنگونی ، پهنه های گسترده همکاری و همراهی در شرایط کنونی است .

سرنگون باد رژیم ضد بشری " جمهوری اسلامی "

زنده باد انقلاب - زنده باد آزادی